

به نام خداوند همه مهر و مهر و رز

بروشور اهداف خطابه

چکیده: در این مقاله به بررسی و تعیین اهداف خطابه‌ی غدیر می‌پردازیم که تعیین این اهداف از دو طریق صورت می‌گیرد. یکی مقدمات، مقارنات، موخرات خطبه و دیگری سیر اجمالی در متن خطابه‌ی غدیر.

عنوان بحث درارتباط با خطابه‌ی غدیر می‌باشد. خطابه‌ی غدیر خلاصه ۲۳ سال دوران نبوت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است. خطابه‌ی غدیر شامل اصول اعتقادی، اصول اخلاقی و اصول فقه می‌باشد. حال می‌خواهیم بررسی کنیم که اهداف خطابه‌ی غدیر چیست؟ تعیین اهداف خطابه‌ی غدیر به دو صورت ممکن است:

(۱) از طریق مقدمات مقارنات موخرات و اتفاقاتی که در خطبه افتاده است.

(۲) با یک سیر اجمالی و مطالعه در متن خطبه‌ی غدیر به بررسی حالات مختلف پردازیم.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مدینه قبل از حرکت برای سفر حجه الوداع، اعلام کردند که من اواخر عمرم می‌باشد و می‌خواهم برای آخرین بار حجی انجام دهم که مردم هم همراه من باشند تا اعمال حج و امور مهم دیگری را هم به آنها بیاموزم. گاهی اوقات هم به بعضی از نزدیکان می‌فرمودند که می‌خواهم مساله جانشینی و امامت را اعلام کنم. منزل به منزل در راه مدینه به مکه حضرت به مردم هشدار می‌دادند که مواظب باشید بعد از پیغمبرتان مخالفت با فرمان‌های او نکنید. تصریح نمی‌کردند اما زمینه‌هایی می‌چیدند که مردم را به پیروی از سخنانشان دعوت می‌کردند. پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در منی در مسجد خیف هم سخنرانی‌هایی کردند که اشاره دارد به اینکه مسلمانان و یا هر قومی باید سخن پیغمبر خودشان را گوش کنند، همچنین به مردم تذکر دادند که: اتحادتان را حفظ کنید، اختلاف نکنید، دنبال هوای نفس نروید و امثال اینها.

تا اینجا مقدماتی بود که اشاراتی داشت به مسئله تعیین جانشینی، کاری که پیامبر صلی الله علیه و آله در حین خطبه انجام دادند گفتن مقدمات مقارنات موخرات خطبه بود. از مقارنات خطبه این است که، ایشان در تمام مدت ایراد خطبه امیرالمؤمنین علی علیه السلام را در کنار خودشان نگه داشتند و گاهی در جملاتی به ایشان اشاره می کردند، مثل جمله ” این علی را من دارم می گویم“، چند مرتبه هم دستشان را بلند کردند و علی علیه السلام را به مردم نشان دادند.

از موخرات خطبه این است که در اواخر خطبه به مردم اعلام کردند که بعد از خطبه من بیایید با من و با علی امیرالمؤمنین بیعت کنید. و در قسمت آخر خطبه فرمودند: چون تعداد جمعیت شما زیاد است و ممکن است نتوانید بیایید و با دست بیعت کنید پس اکنون بگویید ” فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: «إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُنْقَادُونَ لِمَا بَلَّغَتْ عَنْ رَبِّنَا وَرَبِّكَ فِي أَمْرِ إِمَامِنَا عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ...” بعد هم یک خیمه برای خودشان برپا کردند و در آن نشستند و مردم می آمدند و برای این فرمان اول با پیغمبر بیعت می کردند بعد هم با امیرالمؤمنین. این از موخرات خطابه بود که بیعت با دست از عصر دوشنبه ۱۸ ذی الحجه تا عصر چهارشنبه ۲۰ ذی الحجه طول کشید و مردم گروه گروه بیعت می کردند و خداحافظی می کردند و می رفتند. این مقدمات، مقارنات و موخرات، شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام را مشخص می کند، که تعیین جانشینی، تبیین شخصیت و نشان دادن امیرالمؤمنین از اهداف اصلی خطبه می باشد.

با تحلیل خطابه‌ی غدیر می توان هدف های اصلی و هدف های تبعی را بیان کرد.

هدف اصلی ایراد خطبه اطاعت از فرمان الهی و بندگی خدا توسط پیغمبر اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله می باشد، یا به عبارتی هدف اصلی خطابه‌ی غدیر تذکر توحید و یکتا پرستی، بندگی خدا و ترک شرک می باشد. در بستر های مقدماتی خطابه چند مسئله وجود دارد: حمد و ثنای الهی و بیان اینکه بزرگترین پیام خطبه ی غدیر دعوت مردم است به خداپرستی و ترک شرک. هدف قبل از رسیدن به توحید ایجاد زمینه ها و مقدمات برای رسیدن به توحید می باشد. حال این زمینه ها و مقدمات برای رسیدن به توحید چیست؟ علم و عمل، حکمت نظری. و حکمت عملی؛ حکمت نظری چیست؟ خداشناسی است.

در بخش اول خطابه ” اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ... ” خداشناسی را در بهترین وجه بیان کرده است. یعنی اولین جمله ای که پیغمبر شروع کرده ” اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ ” و آخرین جمله ای هم که صحبت کرده است ” وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ” می باشد. یعنی حمد و ستایش خدا و رسیدن به خدا پرستی.

بستر های رساننده ی به خدا پرستی، تعبد و بندگی است. بنابراین می توانیم بگوییم که یکی از اهداف اساسی خطبه ی غدیر تبلیغ و ایجاد و سفارش بندگی خدا برای مردم است. مقدمات بندگی خدا عبارتند از: ایمان به خدا، ایمان به رسول، ایمان به اولوالامر، عمل صالح و اطاعت از اینها. اینها که ذکر کردیم، بسترهای قبل از رسیدن به عبودیت، توحید و خداپرستی بودند. در طول خطابه ایمان به خدا بیان شده است، ایمان به رسول نیز به چند جمله بیان شده است، که در زیر آورده ایم:

(۱) پیامبر صلی الله علیه و آلهدائما فرموده اند این سخنرانی که من در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام آورده ام، امر خداست.

(۲) من بنده ی خداومطیع او هستم “وَأَقْرَبُهُ عَلَي نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ”.

(۳) وَأُودِي مَا أُوحِيَ بِهِ إِلَي حَذْرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ فَتَجَلَّ بِي مِنْهُ قَارِعَةٌ لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ “، من اطاعت خدا می کنم واگرادای وظیفه نکنم، ممکن است خداوند عذابی برای من بفرستد که کسی جلودار آن عذاب از من نباشد.

(۴) من هر چی دارم از خداست، من با خدا بیعت کرده ام و امیرالمؤمنین با من بیعت کرده و شما با امیر المؤمنین و با من بیعت کنید. الان می خواهم از شما بیعت بگیرم برای امر خدا به خاطر بیعت با امیر المؤمنین. اینها را که بیان کردم خواستم بگویم: مردم من بنده هستم و شما هم بنده باشید من عبودیت دارم و افتخارم به عبودیت است شما هم افتخارتان به عبودیت باشد.

پس هدف دیگر برای رسیدن به توحید بعد از تصدیق به امر خدا قبول اطاعت پیغمبر صلی الله علیه وآله است در فرمان هایی که می دهد. نکته بعدی پذیرش، تصدیق و قبول سرپرستی وجانشینی امیرالمؤمنین علیه السلام است. پیامبر فرمودند، علی علیه السلام جانشین من است در تمام ابعاد شخصیت من جز در قانون آوری.

در خطابه ی غدیر حدود ۲۰۰ برای امیر المؤمنین علیه السلام بیان شده است. که در بیان صفات امیرالمؤمنین علیه السلام حضرت دو گونه عمل کرده اند: یکی امیر المؤمنین را معرفی کردند یکی هم راهکار ارائه دادند برای اینکه چگونه تابع امیرالمؤمنین باشیم. وقتی می گوید: “وَالْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ وَالْمَحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ وَالْمُوَالِي عَلَي طَاعَتِهِ وَالتَّاهِي عَنْ مَعْصِيَتِهِ” می خواهد بگوید که این موارد، صفات برجسته ی جانشینی پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله می باشد و شما مردم هم باید اینها را داشته باشید.

پس یک هدف برای رسیدن به عبودیت خدا و تصدیق خدا، تصدیق فرمان های پیغمبر صلی الله علیه وآله است در باره ی شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام.

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید این قرآن که من آورده ام یک مکمل و متمم می خواهد که این مکمل و متمم و مُفَصَّل و مُبَيِّنش امیرالمؤمنین علی علیه السلام و اولاد او علیهم السلام هستند. این مسئله را پیغمبر صلی الله علیه و آله آن قدر محکم و از جهات مختلف بیان کردند که هیچ گونه جای شکی برای کسی باقی نگذاشت.

پس هم یک هدف و هم یک بستر ایجاد کردند، این که هر چه من علم و دانش دارم و هر چه قرآن علم و دانش دارد علم و دانش من و قرآن نزد امیرالمؤمنین علیه السلام است. این هم باز از دو بستر وارد شده است: یکی علم من "و كُلُّ عِلْمٍ عَلَّمْتُمْ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا، وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ (الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَس: (و كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ)". یکی هم از جهت قرآن، می فرمایند که در قرآن تدبر کنید، آیاتش را بفهمید محکمش را نظر کنید و در متشابهاتش تامل کنید. تمام علوم قرآن پیش علی ابن ابیطالب و فرزندانش است و بعد با این عبارت می گوید: "مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ هُمُ الثَّقَلُ الْأَوْسَرُ، وَالْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُنْبِئٌ عَن صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ". پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند به خدا قسم باطن قرآن را بیان نمی کند مگر کسی که الان من دستش را گرفته ام و به شما نشان می دهم و می گویم علوم من پیش علی است و علوم قرآن پیش علی است و می فرماید ما یک سری علم هایی داریم که در قرآن نیست در باطن ماست. جای دیگری بیان می کنند که علم ما و علم قرآن در طول هم است، و بعد بیان می کنند که همه ی حقایقی که من دارم درست است "فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ" یعنی دانه دانه اش را و جمله جمله اش را در وجود مقدس امیر المؤمنین علیه السلام بر شمرده ام. هدف بعدی بیان داستان دوستان و دشمنان امیر المؤمنین علیه السلام است که در بخش ۷ خطابه پیغمبر صلی الله علیه و آله اکرم آیاتی را می آورند که منافقین را معرفی می کند، اولیای ائمه علیهم السلام را معرفی می کند، اعداء ائمه علیهم السلام را هم معرفی می کند.

هدف بعدی که می رسانند معرفی کامل آخرین امام، امام عصر عجل الله تعالی فرجه است. که چهار بار مستقیم راجع به امام زمان عجل الله تعالی فرجه صحبت می کنند که دو مورد در بخش ششم است، یک مورد در بخش دهم است و کلیاتش هم در بخش هشتم با هجده جمله هشدار "الا « ابعاد مختلف شخصیت علمی، اخلاقی، حکومتی، اصحاب و یاران و آن چه امام زمان عجل الله تعالی فرجه انجام می دهند در حکومتشان تمام اینها را از جهات مختلفی بیان می کنند. و نکته ی بعدی این است که از مهمترین احکام الهی مثل حج، عمره، نماز، زکات و امر به معروف و نهی از منکر مفصل بحث می کنند و یکی از جملات برجسته و مهم این است که «الْأَوَّلُ رَأْسُ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي وَتَبْلُغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ وَتَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ عَنِّي وَتَنْهَوُهُ عَن مُخَالَفَتِهِ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَمَنِّي». و سپس مردم را به بیعت دعوت می کنند.

نتیجه:

پس می شود گفت اهداف خطبه به صورت مخروطی است. در راس مخروط بندگی خداست، پله ی اول راس مخروط رسیدن به توحید می باشد. پله ی بعدش برای رسیدن تصدیق خدا و تصدیق پیغمبر، شناختن امیرالمؤمنین علی علیه السلام و اولادش تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه، شناختن منافقان، موافقان و مخالفان امیر المؤمنین علیه السلام نیز، اخلاق اصلی و احکام اصلی می باشد، لذا همه اینها بسترهایی است که ما را می تواند به خطبه ی غدیر و اهداف آن برساند. حالا این مخروط را از خطابه ی غدیر برداریم و بزرگترش کنیم و بگذاریم به عنوان مخروط هدف یا اهداف پیامبران الهی. پیامبران الهی هم جز همین اهداف، هدف دیگری نداشتند. “ و ما پیغمبر را نفرستادیم جز اینکه به مردم بگویند ” وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا [۱]». و جای دیگر گفتند ایمان به خدا، ایمان به آخرت و عمل صالح حلقه ی پیوندش ایمان به ائمه و ایمان به عدل خداست که شیعه می گوید اصول اعتقادات ما پنج تا است توحید عدل نبوت معاد و امامت.

[۱] نساء (۴): ۳۶